

بررسی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران-عراق

عزت اله عزتی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

محمدحسن نامی^۱

دانشجوی دکتری-دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۱۶

چکیده

ارزش‌های جغرافیایی فرصت‌هایی هستند که مطلوب بازیگران سیاسی اعم از فردی یا گروهی واقع می‌شوند. این ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی در مجموعه‌های کلی: شامل مکان و فضای جغرافیایی، الگوهای فضایی و انسان‌ها قرار دارند که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند و توجه بازیگران را به خود جلب می‌نمایند. به عبارتی آن‌ها بار سیاسی به خود می‌گیرند و بدین ترتیب ماهیت ژئوپلیتیکی می‌یابند. ایران و عراق در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه قرار گرفته و از موقعیت و شرایط خاصی برخوردارند بطوریکه مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار گرفته‌اند. اما عوامل و ارزش‌های جغرافیایی دو کشور یکسان نیست. و ایران در این زمینه برتری زیادی نسبت به عراق دارد. هدف از این تحقیق بررسی شرایط، موقعیت و عوامل و ارزش‌های ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و عراق و شناخت جایگاه دو کشور در این زمینه است. که با بررسی صورت گرفته با روش تحقیقی توصیفی و تحلیلی به این نتیجه می‌رسد که این شرایط و ویژگی‌ها در ایران نسبت به عراق بسیار مطلوب‌تر و برتری قرار دارد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، عوامل ژئوپلیتیکی، جغرافیا، سیاست، ایران و عراق.

مقدمه

جغرافیا سیستمی مرکب از عوامل و عناصر طبیعی، محیطی و انسانی در هم تنیده و مرتبط با هم است که فضای سطح سیاره زمین را به مثابه زیستگاه انسان تشکیل می‌دهد.

ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی به لحاظ ساختاری و یا کارکردی ماهیتی دوگانه دارند. بدین معنا که یک عامل جغرافیایی برای یک گروه یا فرد انسانی ممکن است، مثبت تلقی شود درحالی‌که همان عامل برای گروه و یا فرد دیگر دارای ارزش منفی انگاشته می‌شود. به علاوه اینکه هویت ساختی و کارکردی عوامل، دارای ارزش ثابت و پایدار نیستند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که عوامل جغرافیایی از سیالیت ارزشی برخوردار هستند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۵).

ارزش‌های جغرافیایی فرصت‌هایی هستند که مطلوب بازیگران سیاسی اعم از فردی یا گروهی واقع می‌شوند. زیرا اول آن‌ها می‌توانند تولیدکننده قدرت باشند، دوم کاربری آن‌ها می‌تواند به سلب قدرت رقبا منجر شود و سوم تامین کننده نیازهای حیاتی و منافع جمعی و فردی می‌باشند. این ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی در مجموعه‌های کلی: شامل مکان و فضای جغرافیایی، الگوهای فضایی و انسان‌ها قرار دارند که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند و توجه بازیگران را به خود جلب می‌نمایند. به عبارتی آن‌ها بار سیاسی به خود می‌گیرند و بدین ترتیب ماهیت ژئوپلیتیکی می‌یابند (همان: ۱۵۶).

ژئوپلیتیک از زمان وضع واژه آن از نظر مفهومی و نیز موقعیت اجتماعی و علمی دچار فراز و نشیب شده و از حالتی شناور در موضوعات مورد اطلاق نیز برخوردار بوده است. این واژه در بین جغرافیدانان، سیاستمداران حرفه‌ای، نظامی‌ها و متخصصین علوم سیاسی و روابط بین‌الملل رواج داشته و دارد.

ژئوپلیتیک از اوایل قرن بیستم با طرح اندیشه مکیندر مطرح گردید و در سال‌های بعد با استقبال اندیشمندان سیاسی روبرو شد، به گونه‌ای که تعداد زیادی از تحلیلگران مسائل قرن بیستم وقایع عمده بین‌المللی و منطقه‌ای را در حد زیادی متأثر از نوع نگرش طرح‌های ژئوپلیتیک و حاصل تفکر متفکران این رشته می‌دانند.

ژئوپلیتیک «تصویری کلان» را ارائه داده و روش ارتباط تحولات محلی و منطقه‌ای با سیستم و نظام جهانی به عنوان یک کل را پیشنهاد می‌دهد (اتوتایل و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۲). علاوه بر این یک شیوه فضایی اندیشیدن درباره آرایش بازیگران، عناصر و موقعیت‌های مختلف را به طور همزمان بر روی صفحه شطرنج جهان نشان می‌دهد (همان).

مهمترین عرصه تجلی رابطه جغرافیا و سیاست، نظام سیاسی مستقل و یا حکومت است که به نیابت از دو عنصر پایدار یعنی سرزمین و ملت یا انسان‌های بومی و مقیم آن موجودیت یافته و به ایفای نقش می‌پردازد (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۳۰ و ۱۳۹). درک واقعیت‌های جغرافیایی و در راس آن پدیده‌های انسانی می‌تواند راهگشای مسئولان کشورها باشد تا بتوانند به عنوان یک بازیگر مهم وارد صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شوند (عزتی، ۱۳۸۰: ۲). بنابراین عوامل و ارزش‌های جغرافیایی می‌توانند به سطح قدرت یک کشور در مقابل کشور مقابل کمک کنند و یا اینکه آن را محدود سازند.

ایران و عراق نیز از نظرگاه این عوامل و ارزش‌ها دارای تفاوت زیادی هستند. با بررسی این عوامل و ارزش‌ها در دو کشور به نظر می‌رسد که ایران در جایگاه برتر از نظر عوامل و ارزش‌های ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرد. هدف از این تحقیق بررسی این عوامل و ارزش‌ها در دو کشور ایران و عراق است. که با روش توصیفی و تحلیلی و مطالعه کتابخانه و اسنادی به این مهم می‌پردازد.

۱- عوامل فیزیکی

۱-۱- **موقعیت استراتژیکی ایران و عراق:** موقعیت و موضع استراتژیکی یکی از عوامل قدرت است. یکی از عوامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده در ایجاد موقعیت استراتژیکی و نظامی یک کشور، جغرافیا است. ذخائر و منابع یک کشور نیز از جهت اقتصادی تأثیر به‌سزایی در وضع استراتژیکی آن دارد (کاظمی، ۱۳۷۲: ۱۹۳).

ایران به دلیل قرار گرفتن در منطقه خاورمیانه بعنوان حد فاصل سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا از محوریت ارتباط منطقه ای برخوردار است. همچنین ایران با داشتن موقعیت بری و بحری، ارتباط با حوزه‌های متعدد ژئوپلیتیکی از جمله قرارگرفتن در بین دو حوزه بزرگ انرژی جهان (خلیج فارس و دریای خزر)، قرار گرفتن در تنگه استراتژیک هرمز، عبور لوله‌های مختلف نفت و گاز و همچنین قابلیت‌های ارتباطی ایران در حوزه‌های جاده‌ای، راه‌آهن، هوایی، الکترونیکی و... وجود کشورهای محصور در خشکی در مرزهای شمال کشور و همچنین نفوذ فرهنگی و تمدنی آن در حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامون، حضور قدرت‌های برتر جهانی در همسایگی ایران و نفوذ در خاک همسایگان آن، از موقعیت ژئواستراتژیکی ویژه ای برخوردار است.

کشور عراق نیز از موقعیت استراتژیکی خاصی برخوردار است. این سرزمین که تا جنگ جهانی اول، «بین‌النهرین» نامیده می‌شد، به دلیل خاک حاصلخیز و آب فراوان از قدیم بعنوان قطب جاذب جمعیت تمدن‌ساز مطرح و همواره مورد هجوم همسایگان بوده‌است. در حال حاضر نیز به خاطر وجود منابع نفت و گاز و موقعیت ارتباطی مورد توجه قدرت‌های جهانی است و به اعتقاد اکثر کارشناسان همین مسائل باعث اشغال آن شد. اما عدم دسترسی مناسب عراق به آب‌های آزاد و نیاز آن به همسایگان و عدم وجود دفاع طبیعی از جمله تنگناهای ژئواستراتژیکی این کشور به‌شمار می‌آید. مشکل ژئواستراتژیکی عراق در دوران صلح می‌تواند از طریق ایران حل و فصل شده و ایران می‌تواند با فراهم آوردن شرایط عراق را از این بن‌بست خارج کند (عزتی، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۴).

۲-۱- **موقعیت ارتباطی ایران و عراق:** وجود شبکه راه‌آهن، کانال‌ها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی و نیز امکانات حمل و نقل هوایی گسترده، قطعاً در دسترسی مؤثر حکومت مرکزی به نقاط مختلف کشور، اهمیت به‌سزایی دارد و می‌تواند موجبات دفع حملات مرزی و یا واگرایی‌های گروه‌های مختلف را پدید آورد.



نقشه شماره (۱) ایران در بین حوزه‌های ژئوپلیتیکی همجوار

سرزمین ایران در طول دوران تاریخی خود همواره عامل ارتباط دهنده و بستر ساز تعامل میان کانون‌های تمدن، گروه‌های انسانی و قومی مجاور فلات ایران بوده و پیش بینی می‌شود این کارکرد تاریخی در آینده نیز پایدار بماند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۴۲).

فضای جغرافیایی ایران، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا، آسیا و اقیانوسیه قرار دارد. وجود کشورهای محصور در شمال و شمال شرق ایران (منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان) و نیاز آن‌ها جهت ارتباط با آب‌های آزاد و موقعیت ترانزیتی آن، ارزش آن را مشخص می‌سازد. ایران فقط در قسمت شمال شرقی خود به خاک ترکیه به منظور ارتباط زمینی به اروپا نیاز دارد که آن هم در صورت ممانعت این کشور، راه‌های جایگزین وجود خواهد داشت (نقشه شماره ۲).



نقشه شماره (۲) نقشه شمانیک وضعیت ارتباطی ایران و عراق

جدول شماره ۱: وضعیت شبکه ارتباطی کشورهای ایران و عراق

کشور	طول جاده‌ها (کیلومتر)	مساحت واقع شده یک کیلومتر جاده (کیلومتر مربع)	طول خط آهن (کیلومتر)	مساحت واقع شده یک کیلومتر خط آهن (کیلومتر مربع)	طول سواحل به کیلومتر	تعداد فرودگاه		
						باند	باند آسفالت به طول بیش از ۳ کیلومتر	باند آسفالت
ایران	۱۷۹۳۸۸	۹	۹۴۹۳	۱۷۳	۲۷۰۰	۸۸	۴۱	۱۹۲
عراق	۴۵۵۵۰	۱۰	۲۲۰۰	۱۹۹	۵۰	۵۸	۲۱	۳۲

Source: CIA-The World factbook.com/2006

کشور عراق نیز موقعیت گذرگاهی دارد. عراق شرقی‌ترین کشور عربی است که مرز خشکی طولانی با کشورهای غیرعرب در آسیا داشته و همواره خود را نگهبان دروازه شرقی جهان عرب معرفی می‌کند. این سرزمین از گذشته‌های دور، یکی از مسیرهای اتصال‌دهنده آسیا به اروپا و آفریقا و کوتاه‌ترین راه خشکی برای عبور زائران خانه خدا (مکه) برای مسلمانان آسیای مرکزی، شبه قاره هند، ایران و حتی قفقاز و آسیای صغیر محسوب می‌شود. اما در کنار آن عراق به منظور ارتباط با دنیای خارج از هر مسیری به استثناء سواحل این کشور در خلیج فارس که آن هم بسیار نامناسب است، نیاز به عبور از خاک یک یا چند کشور همسایه دارد.

۱-۳- برخورداری از موقعیت دریایی و ساحلی (دسترسی به آب‌های آزاد): از منظر جغرافیای سیاسی میزان

دسترسی واحدهای سیاسی به دریا و آب‌های آزاد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. بر این اساس، کشورها در سه گروه محصور در خشکی، ساحلی و جزیره‌ای تقسیم می‌شوند.

کشور ایران با سه حوزه آبی دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس مرتبط است. طول خطوط ساحلی ایران در جنوب، حدود ۲۰۴۳ کیلومتر و در حوزه دریای خزر حدود ۶۵۷ کیلومتر می‌باشد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵). که با طول سواحل جزایر خلیج فارس طول سواحل به بیش از ۳۴۰۰ کیلومتر افزایش می‌یابد.

وجود بنادر متعدد و استراتژیک (۱۱ بندر مهم و فعال) در خلیج فارس، برخورداری از جزایر زیاد و استراتژیک، قرار گرفتن در کنار تنگه استراتژیک هرمز، ارتباط با اقیانوس هند و دریاهای آزاد، موقعیت استراتژیکی ویژه‌ای جهت بدست آوردن امتیازات و بهره‌برداری‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و استراتژیک به ایران بخشیده است.

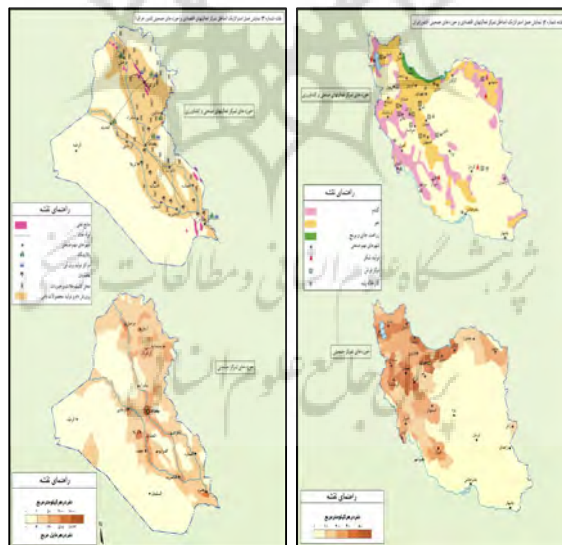
این درحالی است که عراق تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که کمترین ساحل را داشته و بدین لحاظ مشکلات استراتژیکی دارد؛ به گونه‌ای که بر رفتارهای سیاسی - نظامی آن اثر گذار است (حافظ نیا، ۱۳۷۱: ۲۵۷).

۱-۴- وسعت و عمق استراتژیک ایران و عراق: مساحت خشکی کشور ایران ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع محاسبه-

شده است این مقدار وسعت ۱/۳٪ کل مساحت کره زمین و یا حدود یک درصد مساحت خشکی‌ها را شامل می‌شود. که از این نظر جز کشورهای وسیع محسوب می‌شود (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۵۲)، و از این حیث شانزدهمین کشور جهان (صفوی، ۱۳۷۸: ۷۴) و تقریباً برابر کشور اروپایی یعنی فرانسه، پرتغال، بلژیک، اتریش، دانمارک و سوئیس است. وسعت کل کشور عراق نیز ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر مربع بوده که ۴۳۲۱۶۲ کیلومتر مربع آن خشکی و ۴۹۱۰ کیلومتر مربع نیز آبی شامل دریاچه‌ها، باطوق‌ها و سایر پهنه‌های آبی می‌باشد (www.CIA-Factbook/Iraq). که به لحاظ وسعت و پهناوری رتبه پنجاهم را در میان کشورهای جهان حائز است.

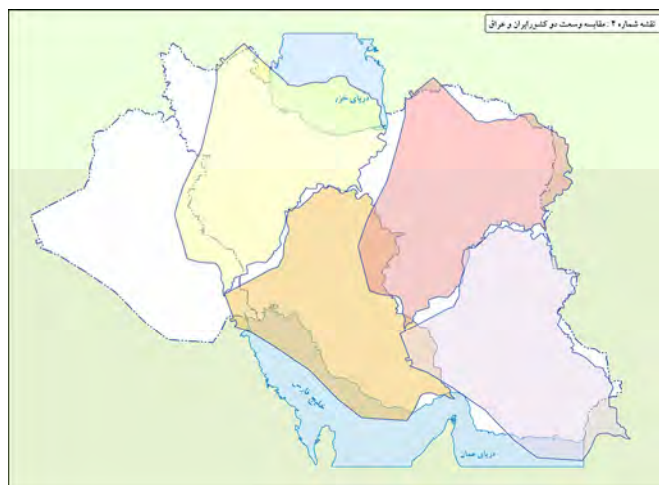
عمق استراتژیکی نیز ابعاد وسیع طول و عرض و سختی دسترسی کشورهای همجوار به مناطق، تراکم جمعیتی و فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شود که از نظر حیاتی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. عمق استراتژیک علاوه بر ویژگی‌های هندسی مانند شکل و پهناوری از ویژگی‌ها و پتانسیل‌های طبیعی و ظرفیت‌های محیطی و موقعیت ویژه ارتباطی و اقتصادی نیز تبعیت می‌کند. بر این مبنا نقاط استراتژیک ایران به علت پهناوری و وسعت زیاد، پراکنده بوده و در یک حوزه متمرکز نشده‌اند. طبق نقشه‌های مربوط (نقشه شماره ۳ و ۴)، حوزه‌های اصلی جمعیتی و سیاسی، مراکز عمده اقتصادی و انرژی در ایران بیشتر در مناطق مرکزی، شمالی، شمال‌شرقی و شمال‌غربی، جنوب و جنوب‌غربی استقرار دارند. اما در کشور عراق به علت محدودیت حوزه‌های استراتژیک کشور بطور منسجم و متمرکز در یک کریدور طبیعی به موازات مرزهای غربی ایران استقرار یافته است.

بنابراین به علت پراکندگی حوزه‌های استراتژیک ایران در نقاط مختلف و بخصوص قرارگرفتن آن‌ها در پشت دیواره زاگرس و فاصله زیاد آن‌ها به مناطق مرزی در غرب، به لحاظ عمق استراتژیکی برتری فوق‌العاده‌ای نسبت به کشور عراق دارد. زیرا نه تنها حوزه‌های استراتژیکی و حیاتی کشور عراق در فاصله نزدیکی (حداکثر حدود ۲۰۰ کیلومتری) به مرزهای ایران تمرکز یافته‌اند بلکه ایران به علت برتری و اشراف توپوگرافیکی از تسلط کافی به این مناطق برخوردار می‌باشد. بیشترین فاصله مناطق ایران تا مرز عراق (کشتگان) نیز حدود ۱۴۵۰ کیلومتر است در صورتی که بیشترین فاصله عراق تا مرز ایران در حدود ۶۰۰ کیلومتر است. نزدیکترین فاصله تهران به مرز عراق نیز حدود ۴۵۰ کیلومتر است در صورتی که نزدیکترین فاصله بغداد به مرز ایران ۱۳۰ کیلومتر می‌باشد.



نقشه شماره (۳ و ۴) مقایسه عمق استراتژیک ایران و عراق با نشان دادن پراکندگی جمعیت و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی

۵-۱- شکل ایران و عراق: کشور ایران به لحاظ شکل هندسی، از هندسه و ابعاد نسبتاً منظم و متقارنی برخوردار است. از نظر هندسی این کشور به شکل یک متوازی الاضلاع یا لوزی بوده و دارای دو قطر بزرگ و کوچک می‌باشد، بطوریکه اگر نصف النهار 54° و مدار 32° را به عنوان نصف النهار و مدار میانه در سطح ایران در نظر بگیریم، مشخص می‌گردد که طول آن‌ها تقریباً نزدیک به هم بوده و هر کدام حدود ۱۲۲۵ کیلومتر طول دارند.



نقشه شماره (۵) مقایسه وسعت ایران و عراق

شکل کشور عراق تقریباً شبیه مثلث متساوی الاضلاعی است که رأس آن متوجه اردن و قاعده بزرگ آن مرز مشترک ایران و عراق است، با این شرایط کشور عراق نیز از نظر هندسی تا حدودی جز کشورهای فشرده محسوب می‌شود. منتهی میزان فشردگی آن نسبت به ایران کمتر است (نقشه شماره ۶).

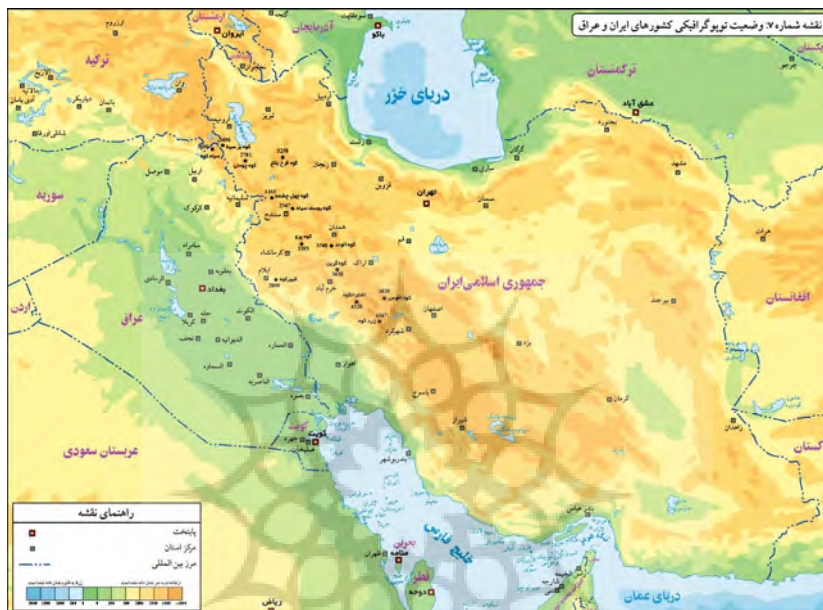


نقشه شماره (۶) مقایسه شکل دو کشور ایران و عراق

۶-۱- وضعیت توپوگرافیکی ایران و عراق: کشور ایران قسمت عمده‌ای از فلات ایران را شامل می‌شود، این فلات توسط حصارهای کوهستانی محصور شده است، رشته ارتفاعات آذربایجان، البرز و خراسان این پهنه طبیعی را از چاله‌ها، جلگه‌ها و دشت‌های حاشیه شمالی، سلسله جبال مرتفع زاگرس و کوه‌های مکران از جانب غرب، جنوب غربی و جنوب، این منطقه طبیعی را از جلگه بین‌النهرین، خلیج فارس و دریای عمان جدا می‌سازد. بنابراین فلات

ایران از نظر ارتفاعی و توپوگرافیکی اشراف و تسلط کامل به جلگه‌ها و چاله‌ها و دشت‌های پیرامون خود دارد و این بزرگترین امتیاز ژئواستراتژیکی برای این کشور محسوب می‌شود.

کشور عراق از نظر توپوگرافیکی یک کشور جلگه‌ای و مسطح محسوب می‌شود، بیش از ۹۰ درصد قلمرو این کشورها را جلگه‌ها و دشت‌های مسطح و نسبتاً بی‌عارضه تشکیل می‌دهد. فقط از جانب شمال شرقی و شمال امتداد و انتهای ارتفاعات زاگرس و ارتفاعات توروس ترکیه بطور محدود توپوگرافی این کشور رابه هم زده است (نقشه شماره ۷).



نقشه شماره (۷) وضعیت توپوگرافی ایران و عراق

۲- عوامل انسانی

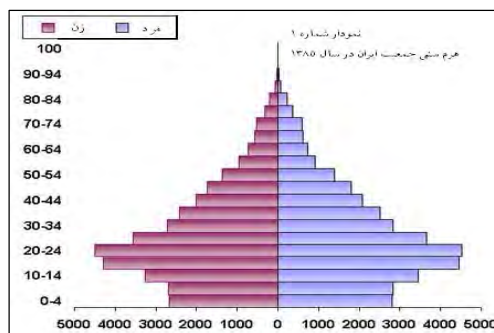
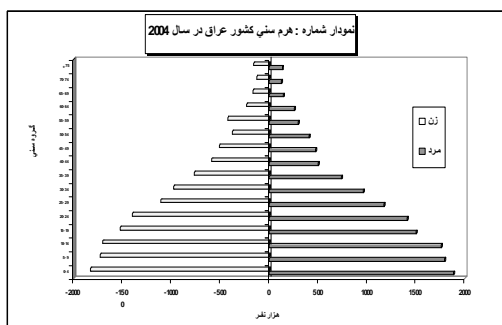
مهمترین عامل در ژئوپلیتیک انسان است زیرا تمام پدیده‌های محیط طبیعی چه ثابت و چه متغیر در یک قطب و انسان در قطب دیگر قرار دارد (عزتی، ۱۳۷۷: ۹۲). اما در تجزیه و تحلیل جمعیت تنها نباید به جنبه‌های کمی جمعیت توجه کرد.

۲-۱- کمیت جمعیت در ایران و عراق: ساختمان سنی ایران نشان‌دهنده جوان بودن جمعیت می‌باشد زیرا بیش از ۶۰ درصد جمعیت پایین‌تر از ۲۴ سال سن دارند ولی باتوجه به کوچک‌شدن پایه‌های هرم (زیر ۱۵ سال)، جمعیت ایران در آینده از نظر جمعیت فعال به بهترین دوره زمانی خود می‌رسد (نمودار شماره ۱).

جدول شماره ۲: ویژگی‌های کمی جمعیت ایران و عراق

کشور	تعداد جمعیت هزار نفر	درصد نرخ رشد	نسبت مردان به زنان	جمعیت شهری (درصد)	جمعیت روستایی (درصد)
ایران	۶۸۶۸۸	۱/۳	۱۰۳	۶۱/۳	۳۸/۸
عراق	۲۷۱۳۵	۲/۷	۱۰۰	۷۳/۷	۲۶/۳

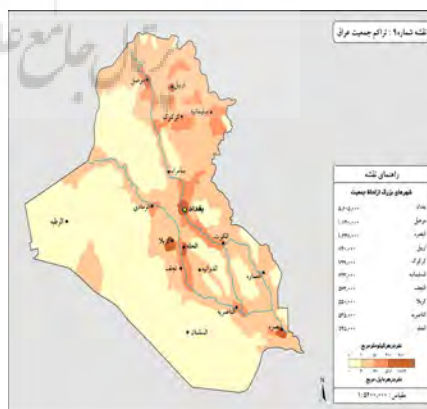
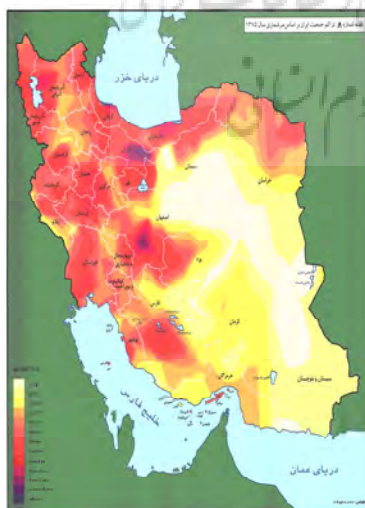
Source: Cia-the Factbook/2006 & UNDP,2005



در عراق نیز حدود ۳۹/۵ درصد را افراد زیر ۱۴ سال، ۵۷/۴ درصد را افراد ۱۵-۶۵ سال و ۳/۱ درصد را افراد بالای ۶۵ سال تشکیل می‌دهند (UNDP, 2005: 17).

به طور کلی از لحاظ ویژگی‌های کمی و ساختار جمعیتی، کشور ایران نسبت به عراق وضعیت بسیار مطلوب‌تری دارد. جمعیت ایران از لحاظ تعداد بیش از ۲/۵ برابر عراق بوده و توزیع نسبی جمعیت نیز پایه‌های هرم شروع به کوچک شدن و میانه هرم شروع به گسترده شدن نموده است. در حالیکه هرم سنی عراق نشان می‌دهد که پایه‌های هرم بسیار گسترده است و این بنخاطر رشد زیاد جمعیت در این کشور می‌باشد.

۲-۲- پراکندگی جمعیت و تراکم آن در ایران و عراق: به لحاظ تراکم نسبی جمعیت، ایران یکی از خلوت‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌آید. در حال حاضر ۹۰٪ از جمعیت ایران در نیمه غربی و شمالی با وسعتی نزدیک به ۴۵ درصد مساحت کل کشور ساکن است. تراکم جمعیت در قسمت غربی حدود ده برابر قسمت شرقی است (یعنی ۸۰/۵ نفر در مقابل ۸/۷ نفر در کیلومتر مربع) و پرتراکم‌ترین نقطه کشور دشت‌های ساحلی شمالی است که ۱۱ درصد کل جمعیت کشور در وسعتی نزدیک به ۳ درصد از کل مساحت کشور زندگی می‌کند. کم تراکم‌ترین منطقه کشور در نواحی شرقی ۱۵ نفر در کیلومتر مربع است (مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳: ۲۸۶). اما جدای از تراکم نسبی و زیستی؛ قطب‌های مختلف در سطح کشور پراکنده شده‌اند.



نقشه شماره (۸) و (۹) مقایسه پراکندگی جمعیت ایران و عراق

پراکندگی جمعیت در عراق نیز وابسته به منابع زیستی، بویژه آب است. اکثریت جمعیت عراق در نوار باریکی از شمال شرق تا جنوب شرق به عرض ۲۰۰ کیلومتر در حاشیه مرز ایران پراکنده شده‌اند. که در زمین‌های حاصلخیز و یا دشت‌های آبرفتی، میزان تراکم جمعیت افزایش می‌یابد (سیف زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۵). به جز مناطق کوهستانی شمال شرقی، جمعیت عراق عمدتاً در اطراف حوزه‌های رودخانه‌ای اسکان یافته‌اند.

به لحاظ پراکندگی در توزیع جمعیت نقشه و پراکندگی و تراکم جمعیت دو کشور ایران و عراق نشان می‌دهد که هرچند هر دو کشور از توزیع متناسبی از لحاظ جمعیتی برخوردار نیستند ولی توزیع جمعیت در ایران در سطح سرزمین بسیار متناسب‌تر از عراق است. نقشه پراکندگی جمعیت ایران نشان می‌دهد که جمعیت بصورت پراکنده در نواحی غربی، جنوبی، شمالی، مرکزی و شمال شرقی از تراکم متناسبی برخوردار بوده و به نوعی جمعیت در این نواحی پراکنده شده است. ما در این نواحی نقاط شهری بزرگ و متراکمی را هر چند به صورت نقطه‌ای داریم. ولی در عراق جمعیت به صورت یک نوار باریک از شمال تا جنوب در طول مرزهای ایران و با عرض کمتر از ۲۰۰ کیلومتری پراکنده شده‌اند که این وضعیت، عراق را در مقابل ایران آسیب‌پذیر نموده و در موضع ضعف قرار می‌دهد (نقشه شماره ۸ و ۹).

۲-۳- وضعیت قومی، نژادی و مذهبی:

ایران: سرزمین ایران به دلایل مختلف در طول هزاران سال، گروه‌های قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی گوناگون و متنوعی را در پهنه خود جای داده است.

نژاد: تاریخ‌نگاران ایرانی و غربی معتقدند که ساکنان ایران از نژاد آریایی‌های هند و اروپایی اند که ۳۵۰۰ سال پیش وارد خاک ایران شدند. اما عده‌ای معتقدند که آمیزش نژادی در طی سالیان دراز در حد گسترده‌ای اتفاق افتاده و عده‌ای نیز معتقدند که این آمیزش نژاد با ترک‌ها، مغول‌ها و اعراب ناچیز بوده است (کاتم، ۱۳۸۳: ۲۹-۱۸).

قومیت: در دوران معاصر بطور اعم، هویت‌های قومی با عناصری مثل زبان و مذهب تعریف می‌شوند و براساس این تعلقات در کشور ایران بیش از ۶۰ قوم، زیر قوم، قبیله، ایل و گروه‌های زبانی و قومی قابل تشخیص هستند (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۶). بنابراین با توجه به تقسیم‌بندی‌های مختلف از قومیت‌های ایرانی توسط پژوهشگران ۶ قوم آذری، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و لر به‌عنوان اقوام مهم و مؤثر تلقی می‌شوند (شامی، ۱۳۸۵: ۶۵). فارس‌ها حدود ۵۹٪، آذری‌ها ۲۴٪، کردها ۷٪، عرب‌ها ۳٪ و بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و لر‌ها هر کدام ۲٪ از جمعیت ایران را دربر می‌گیرند و ادرصد نیز متعلق به سایر اقوام است (CIA-Factbook.IRAN/2006).

جدول شماره ۳: ویژگی‌های اقوام مهم و موثر در قومیت ایران

ردیف	نام قوم	زبان - گویش	دین	مذهب	پراکندگی جغرافیایی
۱	آذری	ترکی آذری	اسلام	شیعه دوازده امامی	شمال غرب کشور و بطور پراکنده در استان‌های دیگر
۲	کرد	فارسی با گویش کردی	اسلام	سنی (شافعی) و شیعه دوازده امامی	غرب و شمال غرب کشور و بطور پراکنده در شمال استان خراسان
۳	عرب	عربی	اسلام	اکثریت شیعه	در مرکز و جنوب خوزستان و بطور پراکنده در استان‌های ساحلی جنوبی
۴	بلوچ	فارسی با گویش بلوچی	اسلام	سنی (حنفی)	استان سیستان و بلوچستان و بطور پراکنده در استان‌های کرمان، خراسان جنوبی و شرق هرمزگان
۵	ترکمن	ترکمن	اسلام	سنی (حنفی)	استان خراسان شمالی و استان گلستان
۶	لر	فارسی با گویش لری	اسلام	شیعه دوازده امامی	استان لرستان، خوزستان، چهار محال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و اطراف بطور پراکنده

منبع: (شامی، ۱۳۸۵: ۶۳).

- **دین و مذهب:** اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران پیرو دین اسلامند. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ کل کشور، ۹۹/۵۶ درصد از جمعیت کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند که خود به دو گروه عمده شیعه و سنی تقسیم می‌شوند. زرتشتی با ۰/۰۵ درصد، مسیحی ۰/۱ درصد و کلیمی ۰/۰۲ درصد، سایر ادیان و مذاهب مهم موجود در ایران می‌باشند و ۰/۲ درصد نیز متعلق به سایر ادیان و مذاهب است (سالنامه آماری ۱۳۸۵ کشور، ۱۳۸۶: ۹۵). از این میان شیعه دوازده امامی با حدود ۹۴ درصد جمعیت، مذهب رسمی شناخته شده است.

- **وضعیت قومی، نژادی و مذهبی عراق:** کشور عراق که در قرن بیستم و با فروپاشی امپراتوری عثمانی ایجاد شده، فاقد پیشینه تاریخی به عنوان یک دولت ملی مستقل و همبستگی‌های لازم به عنوان ملت است (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۱۱۰). و سه گروه با کمترین صفات مشترک گردهم آورده شدند (سالینجر و لوران، ۱۳۷۴: ۲۲).

نژاد و قومیت: در دوران رژیم بعث، برابر اعلام دولت، جمعیت عرب ۷۶ درصد، کرد ۱۹ درصد، و باقی مانده آن‌ها را ترکمن‌ها، آشوری‌ها و ارمنی‌ها تشکیل و کردها بزرگترین اقلیت نژادی عراق بودند (مرتایمر، ۱۳۷۹: ۳-۱۰۲).

دین و مذهب: نسبت مسلمانان به کل جمعیت عراق ۹۷ درصد آمده و ۳ درصد بقیه نیز شامل مسیحیان و پیروان دیگر ادیان می‌شود که از جمله یهودیان، یزیدی‌ها، بهائی‌ها و صابئین هستند. نسبت شیعیان به کل جمعیت این کشور، ۶۰ تا ۶۵ درصد و نسبت اهل سنت بین ۳۲ تا ۳۵ درصد اعلام شده است (همان: ۱۰۲).

۳-۳- شاخص‌های توسعه انسانی ایران و عراق: وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی ایران در دهه‌های اخیر پیشرفت قابل توجهی داشته ولی تا رسیدن به سطح مطلوب فاصله دارد. اما در برخی شاخص‌ها (بهداشتی) توانسته به این حد نزدیک شود (جداول‌آتا، ۱۰). در قانون اساسی نیز تأمین سلامتی به عنوان یکی از حقوق اساسی ملت شناخته شده است. افزایش مراکز بهداشتی و درمانی افزایش تعداد پزشکان، بهبود وضعیت تغذیه، لوله کشی آب سالم به مناطق مسکونی بویژه مناطق روستایی و گسترش شبکه‌های بهداشتی در سراسر کشور که بصورت غیرمتمرکز است، باعث بهبود وضعیت بهداشتی عمومی در ایران شده است.

جدول شماره ۴: شاخص‌های اجتماعی توسعه انسانی در ایران

شاخص توسعه انسانی HDI		شاخص GINI	میزان سواد		میزان شهرنشینی		میزان مرگ و میر کودکان		میزان امید به‌زندگی		
۲۰۰۳	۱۹۷۵	۲۰۰۳	۲۰۰۳	۱۹۹۰	۲۰۰۳	۱۹۷۵	۲۰۰۳	۱۹۷۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰-۰۵	۱۹۷۰-۷۵
۰/۷۳۶	۰/۵۶۶	۴۳	%۷۷	%۶۳/۲	%۶۶/۶	%۴۵/۸	۳۳	۱۲۲	۷۰/۴	۷۰/۲	۵۵/۲

Source: UNDP; Human Development Report; 2005 & W H O; World Health Statistics; 2005.

جدول شماره ۵: وضعیت شاخص‌های اقتصادی در ایران

شاخص فقر انسانی HDI (۲۰۰۳)		نرخ تورم	در آمد سرانه ملی GNP دلار		محصولات ناخالص داخلی سرانه واقعی GDP دلار			نرخ بیکاری در جمعیت بالای ۱۵ سال	
رتبه	میزان	۲۰۰۵	۲۰۰۳	۱۹۹۹	۲۰۰۵	۲۰۰۳	۱۹۹۷	۲۰۰۴	۲۰۰۱
۳۶	%۱۶/۴	%۱۶	۲۰۶۶	۱۰۵۰	۸۳۰۰	۶۹۹۵	۵۲۲۲	۱۱/۲	۱۱/۸

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه‌آمار کشور، ۱۳۸۳ و UNDP; Human Development Report; 2005 & CIA-Factbook. 2006

جدول شماره ۶: وضعیت شاخص‌های ارتباطی در جمهوری اسلامی ایران

تعداد خطوط اصلی تلفن به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر			تعداد مشترکین تلفن همراه به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت			تعداد کاربران اینترنت به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت		
۲۰۰۳	۲۰۰۱	۱۹۹۰	۲۰۰۳	۲۰۰۱	۱۹۹۰	۲۰۰۳	۲۰۰۱	۱۹۹۰
۲۲۰	۱۶۹	۴۰	۶۵	۳۲	۰	۱۱۰	۱۵/۶	۰

Source: UNDP; 2006 & CIA-Factbook. 2006

در عراق بر خلاف ایران تحولات دهه ۱۹۹۰ باعث سقوط شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی شده و طبق جدول توسعه انسانی سال ۱۹۹۸، عراق به رتبه یکصد و بیست و ششم سقوط کرده است (خانی، ۱۳۸۰: ۲۶۵). اوضاع توسعه انسانی در عراق نشان‌دهنده سقوط اکثر شاخص‌ها است و این می‌تواند پیام تحریم‌های سازمان ملل، برنامه نفت در برابر غذا، حمله آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳ و اوضاع آشفته بعد از آن باشد.

جدول شماره ۷: وضعیت شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در عراق

شاخص توسعه انسانی HDI		میزان سواد رافراد بالای ۱۵ سال		میزان شهرنشینی		میزان مرگ و میر کودکان (هزار تولد زنده)		میزان امید به‌زندگی در زمان تولد		
۲۰۰۳	۱۹۹۲	۲۰۰۴	۱۹۷۰	۲۰۰۵	۱۹۷۰	۲۰۰۰	۹۷۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰-۰۵	۱۹۷۰-۷۵
-	۴۰/۴	۴۰/۴	%۳۴/۲	%۶۷		۱۰۲	۹۰	۶۹/۰۱	۵۸/۸	۵۷

Source: UNDP; Human Development Report; 1994 & World Health organization;
CIA-World Factbook. 2006 World Health Statistics; 2005, 2006 &

جدول شماره ۸: وضعیت شاخص‌های بهداشتی کشور عراق

میزان دسترسی جمعیت به مراقبت‌های بهداشتی		میزان دسترسی به منابع آب سالم		تعداد پزشک به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت		میزان سوء تغذیه جمعیت	
۲۰۰۲	۱۹۸۵-۹۱	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۳	۱۹۰۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰-۰۲
-	%۹۹	%۸۳	%۸۱	۶/۳	۵/۵	۲۷/۰	-

Source: World Health organization; CIA-Factbook. 2006 & UNDP; 1994

جدول شماره ۹: وضعیت شاخص‌های اقتصادی در عراق

شاخص توسعه فقر انسانی HDI ۲۰۰۳		نرخ بیکاری		نرخ تورم		درآمد سرانه ملی GNP دلار		محصولات ناخالص داخلی سرانه واقعی GDP دلار		
رتبه	نرخ	۲۰۰۵	۱۹۹۰	۲۰۰۵	۱۹۹۱	۲۰۰۳	۱۹۹۰	۲۰۰۵	۲۰۰۳	۱۹۸۰
-	-	%۷۰	%۲۵-۳۰	-	%۴۰	-	-	۱۱۸۸	۴۷۹	۳۳۴۰

Source: UNDP; 1994 - IMF, 2006 - CIA-World Factbook, 2006.

جدول شماره ۱۰: وضعیت شاخص‌های ارتباطی در کشور عراق

تعداد خطوط اصلی تلفن به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر			تعداد مشترکین تلفن همراه ازاء هر ۱۰۰۰ نفر			تعداد کاربران اینترنت ازاء هر ۱۰۰۰ نفر		
۱۹۹۰	۲۰۰۱	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۱	۲۰۰۴	۱۹۹۰	۲۰۰۱	۲۰۰۴
۳/۵	-	۳۸/۶	۰	-	۲۴	۰	-	۱/۳

Source: UNDP; 1994 - CIA-World Factbook, 2006.

باتوجه به اینکه عراق در ربع قرن اخیر درگیر چندین جنگ طولانی و کوتاه مدت بوده تقریباً اغلب زیرساخت‌های آن نابود شده و نیاز به سرمایه زیاد برای بازسازی دارد که در کوتاه‌مدت عراق توانایی تأمین آن را نخواهد داشت. مقایسه وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در دو کشور ایران و عراق، نشان دهنده آن است که با وجود آنکه دو کشور در بین کشورهای متوسط از لحاظ توسعه انسانی قرار دارند اما نه تنها ایران، بالاتر از عراق است بلکه وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی آن به شدت رو به بهبود است درحالی که در عراق با توجه به مشکلات مختلف، سقوط اکثر این شاخص‌ها را شاهد بوده است.

۲-۴- ظرفیت‌های علمی و فناوری ایران و عراق: از جمله شاخص‌هایی که توانمندی‌های تکنولوژیکی یک کشور را می‌تواند مورد سنجش قرار دهد، بهره‌مندی از فناوری‌های پیشرفته و صنایع نظامی می‌باشد. صنایع نظامی ایران چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی از بخش‌های پیشرفته می‌باشد و ایران در این زمینه بهره‌مندی از فناوری بالا در تولید آن و دست‌یافتن به تکنولوژی‌های پیشرفته در زمینه هوا و فضا، موشک، جنگ الکترونیکی، هواپیماهای بدون سرنشین و تولید انواع خودروهای زرهی در سال‌های اخیر بسیار موفق بوده است. از طرفی وجود مراکز مختلف علمی، دانشگاهی و پژوهشگاهی با تعداد قابل توجهی از نخبگان علمی و فنی، بستر و شرایط مناسبی را در جهت ارتقاء تکنولوژیکی در حمایت از برنامه‌های دفاعی و افزایش توان نظامی در سه بخش زمینی، هوایی و دریایی و فضایی فراهم کرده که یکی از شاخص‌های برتری ایران نسبت به عراق است. با وجود تزریق دلارهای نفتی به بخش صنعت (به‌استثنای صنعت نفت) رشد تکنولوژی در عراق چندان چشمگیر نبود، زیرا ساختار اقتصادی، سیاسی و مشی مدیریتی اقتصاد عراق، چنین شرایطی را ایجاد نمی‌کرد. با توجه به این روند بخش صنعت در این کشور در توانمندی‌های بینه دفاعی و پشتیبانی و تأمین نیازهای نیروهای مسلح تأثیر چندانی نداشته و تنها بخش صنایع شیمیایی تا حدودی رشد نسبی یافته است.

۳- عوامل اقتصادی

۳-۱- انرژی: کشور ایران از لحاظ منابع انرژی فسیلی که جزء منابع استراتژیک محسوب می‌شود در سطح جهان موقعیت برتری دارد. به لحاظ ذخایر اثبات شده نفت کشور ایران بعد از عربستان سعودی، بر دومین ذخایر نفتی جهان تکیه دارد و عراق سومین کشور در این زمینه است.^۱

به لحاظ ذخایر گاز طبیعی نیز ایران بعد از روسیه در رتبه دوم و عراق در رتبه دوازدهم جهان قرار دارد.

جدول شماره ۱۱: میزان ذخایر اثبات شده نفت و گاز طبیعی ایران و عراق و نسبت آن بر ذخایر منطقه در سال ۲۰۰۴ م.

نوع انرژی کشور	نفت (میلیارد بشکه)	گاز (تریلیون متر مکعب)	ذخایر نفتی نسبت به ذخایر منطقه خلیج فارس	ذخایر نفتی نسبت به ذخایر جهان	ذخایر گازی نسبت به ذخایر منطقه خلیج فارس	ذخایر گازی نسبت به ذخایر جهان
ایران	۱۳۷	۲۷/۳	% ۱۸/۷	% ۱۱/۹	% ۳۸/۷	% ۱۵/۵
عراق	۱۱۵	۳/۲	% ۱۵/۷	% ۱۰	% ۴/۵	% ۱/۸

منبع: سالنامه آماری کشور؛ ۱۳۸۳

جدول شماره ۱۲: تولید انواع انرژی در کشور ایران و عراق در سال ۲۰۰۴ م (معادل هزار تن نفت خام)

نوع انرژی کشور	جمع	جامد	مایع	گاز	برق	تغییرات موجودی
ایران	۲۴۵۶۷۲	۹۷۶	۱۸۸۲۴۱	۵۶۱۴۰	۳۱۶	۲۹۴۹
عراق	۱۳۰۶۵۴	--	۱۲۷۱۱۶	۳۴۸۵	۵۳	-

منبع: سالنامه آماری کشور ۱۳۸۳، بهروزبفر و نسیمی، ۱۳۸۳ و مجموعه گزارش کشوری انرژی - عراق، ۱۳۸۲

۳-۲- منابع معدنی: کشور ایران به واسطه شرایط طبیعی و وضعیت زمین‌شناسی از منابع معدنی غنی برخوردار است. بطوری‌که مجموعه کانسارها و ذخایر شناسایی شده آن بیش از ۴۰ نوع مواد معدنی فلزی زغال سنگ، سنگ آهن، طلا، مس، کرومیت، سرب، روی، منگنز و گوگرد اشاره کرد.

در کشور عراق منابع معدنی با اهمیت و مهمی کشف نشده و عراق از این نظر خیلی فقیر می‌باشد. مهمترین منابع معدنی عراق در حال حاضر معادن فسفات و سولفور است که بطور محدود از این منابع استخراج می‌گردد.

(۱) آمار این قسمت‌ها از منابع زیر تهیه شده است:

- بهروزی فر، مرتضی و نسیمی، همایون؛ خلیج فارس و بازارهای جهانی انرژی؛ مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی؛ سال نوزدهم؛ شماره پنجم و ششم؛ بهمن و اسفند ۱۳۸۳. و مجموعه گزارش کشوری انرژی - عراق؛ موسسه مطالعاتی بین‌المللی انرژی؛ تهران ۱۳۸۲.

۳-۳- وضعیت مبادلات تجاری ایران و عراق

جدول شماره ۱۳: مبادلات خارجی کشورهای ایران و عراق در فاصله سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۳ م. (ارزش به میلیون دلار)

سال	کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳
شاخص اقتصادی	صادرات	۲۸۴۶۱	۲۳۹۰۴	۲۸۲۳۷	۳۳۹۹۱
	(غیر نفتی)	۲۰۶۰۳	۱۵۹۰۵	۱۳۵۲۰	۱۴۵۴۸
واردات	ایران	۱۵۰۸۶	۱۸۱۲۹	۲۲۰۳۶	۲۹۵۶۱
	عراق	۱۱۱۵۳	۱۱۰۰	۱۲۰۰۰	۱۰۲۷۵
تراز بازرگانی	ایران	+۱۳۳۷۵	+۵۷۷۵	+۶۲۰۱	+۴۴۳۰
	عراق	+۹۴۵۰	+۴۹۰۵	+۱۲۳۲۰	+۴۲۷۳

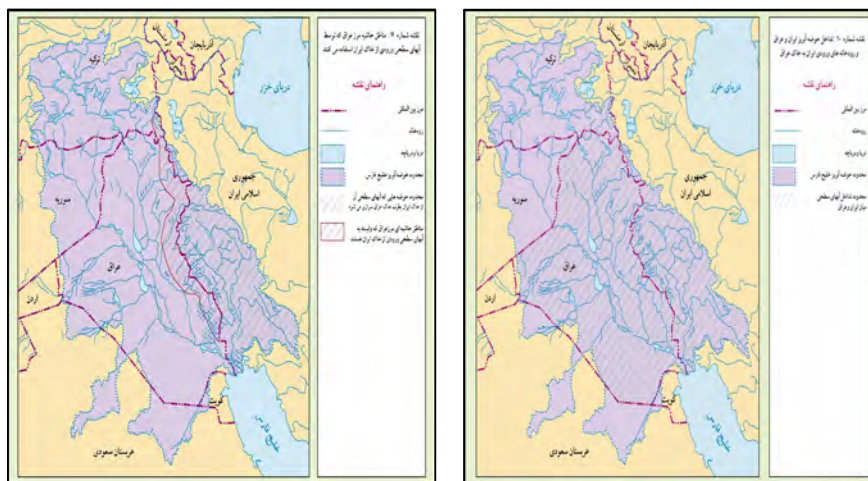
منبع: حوزه معاونت کشورهای عربی و آفریقایی وزارت بازرگانی www.TPO.IR

۳-۴- وضعیت منابع آب ایران و عراق: با توجه به ذخایر آب‌های زیر زمینی که حدود ۳۵ میلیارد متر مکعب تخمین زده می‌شود (موحد دانش، ۱۳۷۳: ۳۵۹) و میزان آب‌های سطحی (۱۰۰ میلیارد متر مکعب) می‌توان گفت، میزان ذخایر آبی قابل استحصال در کشور ایران ۱۳۵ میلیارد متر مکعب است. با این میزان آب قابل استحصال، سرانه آب برای جمعیت ایران در سال ۲۰۰۰ م. برابر ۱۹۹۴ متر مکعب در سال خواهد بود.

جدول شماره ۱۴: وضعیت منابع آبی کشور ایران

مساحت	متوسط بارش سالانه (mm)	حجم ریزش بارش (میلیارد متر مکعب)	حجم آب‌های سطحی (میلیارد متر مکعب)	منابع آب‌های زیر زمینی (میلیارد متر مکعب)
۱۶۴۸۱۹۵	۲۸۹	۴۰۰	۱۰۰	۳۵

رودخانه‌های مرزی: از مجموع ۵ هزار رودخانه ایران، ۸۹ رودخانه، مرزی هستند که ۱۷ رودخانه با کشورهای همجوار مشترک، ۶۸ رودخانه خروجی و ۴ رودخانه نیز ورودی هستند. سالانه حدود ۳۰ میلیارد متر مکعب آب‌های حوضه آبریز مرزی توسط ۶۸ رودخانه از ایران خارج می‌شود که حدود ۶ میلیارد متر مکعب به دریای خزر، ۱۶ میلیارد متر مکعب به دریای عمان و خلیج فارس و ۸ میلیارد متر مکعب به کشورهای عراق، پاکستان و ترکمنستان می‌ریزد. ایران دارای ۱۷ رودخانه مشترک مرزی اعم از فصلی و دائمی است که حدود ۱۲۲۷ کیلومتر از مرزهای ایران را تشکیل می‌دهند. در کشورهای پیرامون، ایران با کشور عراق از نظر جریان آب‌های سطحی بیشترین تداخل حوضه آبریز دارد. به علت قرار گرفتن ایران در بالادست و داشتن موقعیت- کوهستانی سالانه میلیاردها متر مکعب آب‌های سطحی به عراق جریان می‌یابد (نقشه شماره ۱۰). با توجه به بیابان آبی و منابع آب‌های زیرزمینی عراق که حدود ۲ میلیارد متر مکعب برآورد می‌شود (همان)، می‌توان گفت سرانه آبی هر نفر در سال ۲۰۰۰ در عراق ۳۹۶۹ متر مکعب در سال بوده است.



نقشه شماره (۱۱۰۱) تداخل حوضه‌های آبریز ایران و عراق و مناطق مرزی عراق که از آب‌های سطحی ایران استفاده می‌کنند

رودخانه‌ها اصلی‌ترین منابع آبی سطحی عراق هستند (نقشه شماره ۱۱۰۱) مهمترین رودخانه‌های عراق دو رودخانه بزرگ دجله و فرات است که در سرتاسر این کشور جریان می‌یابد. علاوه بر این چهار رودخانه کوچک و فرعی دیگر، زاب کوچک، زاب بزرگ، دیاله و عظیم‌رود در این سرزمین جریان دارد که به رودخانه دجله متصل می‌شوند. همه این رودخانه‌ها به نوعی از خارج از عراق (ایران، ترکیه و سوریه) سرچشمه می‌گیرند.

جدول شماره ۱۵: وضعیت منابع آبی کشور عراق

کشور	مساحت	متوسط بارش سالانه (mm)	حجم ریزش بارش (میلیارد متر مکعب)	حجم آب‌های سطحی (میلیارد متر مکعب)	منابع آب‌های زیرزمینی (میلیارد متر مکعب)
عراق	۴۳۷۰۷۲	۸۰۰	۱۰۰	۸۰	۲

با توجه به سرچشمه گرفتن دورودخانه زاب کوچک و دیاله از ایران و جریان سایر رودخانه‌ها از دامنه‌های غربی سلسله جبال زاگرس در ایران (۲۵ رودخانه) که سالانه حدود ۹/۷ میلیارد متر مکعب آب‌های سطحی این کشور را به دجله و حوضه آبریز آن سرازیر می‌کنند (نهای، ۱۳۷۸: ۷۱).

عراق از نظر منابع آبی در وضعیت بهتری نسبت به ایران قرار دارد اما به خاطر موقعیت جغرافیایی، منابع آبی این کشور با تهدیدهای جدی مواجه و کشورهای ترکیه و ایران به خاطر قرارگرفتن کانون‌های آبرگیر و سرچشمه رودخانه‌های عراق در قلمروشان از مزیت‌های هیدروپلیتیکی نسبت به آن کشور برخوردار هستند.

جدول شماره ۱۶: وضعیت منابع آبی و میزان سرانه آب در کشورهای ایران و عراق (میلیارد متر مکعب)

کشور	مساحت	جمعیت در سال ۲۰۰۰ م	حجم آب دریافتی از بارش	حجم آب‌های سطحی	حجم آب‌های زیرزمینی	مقدار آب قابل استحصال	سرانه آب در سال ۲۰۰۰ م (متر مکعب)
ایران	۱۶۴۸۱۹۵	۶۷۷۰۰۰۰	۴۰۰	۱۰۰	۳۵	۱۳۵	۱۹۹۴
عراق	۴۳۸۳۱۷	۲۳۱۰۰۰۰	۱۰۰	۸۹/۷	۲	۹۱/۷	۳۹۶۹

۳-۵- فناوری فضایی: ایران در میان کشورهای توسعه‌یافته از معدود کشورهایی است که توانایی وزیرساخت‌های

لازم جهت بهره‌مندی از این فناوری در مقیاس قابل قبول را دارد. در رابطه با پروژه‌های فناوری فضایی ایران در سال‌های اخیر به پیشرفت‌های مهمی دست‌یافته ولی عراق در این زمینه اقدام خاصی را صورت نداده است.

۳-۶- خطوط انتقال کالا و انرژی: عبور «جاده ابریشم» از ایران و قرارگرفتن در میان این بزرگراه تجاری که شرق و غرب را به هم متصل می‌کرد از بالا بودن سهم تجارت در اقتصاد ایران حکایت دارد. ولی عراق بویژه پس از جنگ‌های سه دهه اخیر به شدت در زمینه انتقال کالا و خدمات و انرژی با مشکل مواجه شده است.

جدول شماره ۱۷: خطوط انتقال انرژی ایران و عراق (۲۰۰۴) به کیلومتر

کشور	کل خطوط انتقال انرژی	لوله گاز	لوله نفت	لوله حمل محصولات نفتی
ایران	۳۳۸۴۴	۱۷۷۸۰	۸۲۵۶	۷۸۰۸
عراق	۸۵۰۰	۱۷۳۹	۵۴۱۸	۱۳۴۳

۳-۷- تنگناهای منابع اقتصادی پایدار ایران: وابستگی به نفت از تنگناهای اقتصادی ایران است زیرا حدود ۸۰ درصد درآمد ارزی و بالغ بر ۴۰ درصد عایدات دولت ایران از این محل تأمین می‌شود (فیروزی: ۱۱۴). دومین معضل نداشتن شرایط مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. و سومین عامل فرار سرمایه‌ها می‌باشد طبق برآوردها، سالانه ۲/۵ میلیارد سرمایه از ایران فرار می‌کند (رئیس دانا: روزنامه آفتاب یزد، ۸۱/۳/۸).
وابستگی به نفت عراق را نیز آزار می‌دهد. از دیگر معضلات بدهی‌های خارجی آن کشور است. براساس گزارش‌ها میزان تاوان جنگی عراق ۱۹۹ میلیارد دلار، وام‌های خارجی ۱۲۷ میلیارد دلار و قرار دادهای ناتمام ۵۷ میلیارد دلار اعلام شده است (روزنامه اطلاعات، ۸۲/۲/۱۲: ۱۹) تسط بیگانگان بویژه آمریکا نیز مزید بر علت است.

۴- عوامل سیاسی

۴-۱- نظام سیاسی و حکومتی و کارآمدی آن در ایران و عراق: الگوی نظام حکومتی در ایران تک‌ساخت و بسیط است. در این الگو قدرت سیاسی به طور کلی در دست شخصیت حقوقی واحدی متمرکز است و در سطح کشور بصورت عمودی و افقی اعمال می‌شود. کلیه افرادی که زیر لوای دولت یکپارچه و بسیط قرار گرفته‌اند از یک قدرت سیاسی مرکزی تبعیت می‌کنند و یک قانون اساسی در سراسر قلمرو این سرزمین و یک نهاد قانونگذاری قوانین عادی و عمودی کشور را وضع و تصویب می‌کند. حکومت بسیط یا تک ساخت از وحدت ساختاری و تشکیلاتی وحدت انسانی و اجتماعی و وحدت سرزمینی برخوردار است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۵۷).
اگر عناصر و مولفه‌های نظام سیاسی ایران را مد نظر قرار دهیم مشخص می‌گردد که این نظام سیاسی نه تنها یکی از نظام‌های مترقی و کارآمد منطقه است بلکه به علت ارائه یک الگوی حکومتی مدرن، قابل توجه و تحسین است. در این نظام سازوکار و اهرم‌های لازم از نظر حقوقی برای ملت در جهت شرکت و دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و شرکت در سرنوشت کشور و انتخاب عالی‌ترین مقام حاکمیتی تا انتخاب شوراها در نظر گرفته شده است.
در عراق، حزب بعث و تشکیلات سیاسی آن بیش از سه دهه این کشور را اداره کرده و نقش مهمی در موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور داشته است. نظام سیاسی بعث در عراق، یک نظام تک حزبی و توتالیتر بود که قدرت را در اختیار یک نفر متمرکز و نظامیان، شورای فرماندهی انقلاب و چهار پست کلیدی حکومتی یعنی ریاست-جمهوری، نخست‌وزیری، وزارت دفاع و وزارت کشور را در اختیار داشتند (فب مار، ۱۳۸۰: ۳۲۳-۳۱۸).

به لحاظ کارآمدی، همه نظام‌های سیاسی تاریخ سیاسی عراق، یا حکومت‌های وابسته و تحمیلی یا بوسیله کودتا بر مردم عراق تسلط می‌یافتند. در نتیجه همه این نظام‌های سیاسی فاقد الگوها و معیارهای مردم‌سالاری، تامین حقوق ملت و اقلیت‌ها بوده و در اداره کشور و تصمیم‌گیری‌ها هیچ وقعی به آرا و نظرات عمومی نمی‌شد.

بعد از فروپاشی حکومت بعث عراق هرچند نظام‌سیاسی آن بر اساس قانون اساسی به صورت دموکراتیک و از سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه تشکیل شد ولی نمی‌توان در مورد کارایی آن تا رسیدن به ثبات کامل اظهارنظر کرد. نظام‌سیاسی کنونی با طرح و نقشه اشغالگران ایجاد شده و ادامه آن منوط به حمایت‌های مختلف می‌باشد. در نتیجه نظام سیاسی عراق در مقایسه با نظام سیاسی ایران از کمترین ضریب کارایی و کارآمدی برخوردار است.

۴-۲- بازیگران داخلی ایران و عراق و نقش مؤثر آن‌ها: بازیگران داخلی ایران را می‌توان در قالب سه عامل

زیر دسته بندی کرد:

تشیع: از جمله مهمترین بازیگران داخلی ایران مذهب تشیع و روحانیت شیعه می‌باشند. وجود حوزه‌های علمیه در قم و مشهد و سایر شهرها و نفوذ روحانیت شیعه در تمامی ارکان حاکمیت و در بین توده‌های مردم، شیعه و روحانیت را به عنوان بازیگر اصلی عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی ایران تبدیل کرده است.

اقوام مختلف ایرانی: یکپارچگی سیاسی و ارضی هر کشور به‌میزان مشارکت افراد در اداره و فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی آن بستگی دارد. و هرچه مشارکت بیشتر باشد، ضریب یکپارچگی نیز افزایش می‌یابد.

در مدیریت سیاسی ایران هرچند براساس قانون‌اساسی هیچ تفاوتی بین اقوام و مذاهب گوناگون قائل نشده‌اند اما عملاً بعضی از اقوام و مذاهب از جایگاه بالاتری در مدیریت سیاست برخوردارند. در بین اقوام و مذاهب جدای از فارس‌ها که تعریف مشخصی از آن ارایه نمی‌شود، آذری‌ها نسبت به سایر اقوام از نقش بارزتری برخوردارند.

احزاب: در کشور ما تشکیل حزب به سال‌ها قبل و دوره مشروطه برمی‌گردد اما به دلایل عدیده احزاب ایران مگر درپاره‌ای دوره‌های کوتاه، نتوانسته‌اند پیاده‌کننده مدلی پایدار و قدرتمند از نظام حزبی پیشرفته باشند. و پیشینه احزاب و تشکل‌های سیاسی در ایران چندان مطلوب نیست (موسوی لاری، ۱۳۷۸: ۱۷).

بازیگران مهم و تاثیر گذار عمده در سطح دولت مرکزی عراق را نیز می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد. معیار این تقسیم‌بندی، وجود دو شکاف اجتماعی بزرگ و سنتی یعنی شکاف نژادی و مذهبی است که جامعه عراق را به سه بخش تقریباً مجزا و قابل تفکیک کرد، شیعه و سنی تقسیم کرده است.

شیعیان: عراق با اینکه گاهواره تشیع و دربرگیرنده فضاهای مقدس زیارتی است ولی با وجود اکثریت، شیعه در از لحاظ سیاسی همواره در اقلیت بوده است (فرانسوا توال، ۱۳۷۹، ۸۱). در گذشته به استثناء دوران آل‌بویه در قرن چهارم هجری، جمعیت‌های شیعی همواره تحت سلطه سنی‌های حاکم بر بغداد می‌زیسته‌اند. اما فروپاشی حکومت بعث (۲۰۰۳)، به حصر سیاسی و اجتماعی شیعیان پایان داده و امروز آینده عراق با مسأله شیعه گره خورده است.

اعراب سنی: عرب‌های سنی به رغم در اقلیت بودن از گذشته‌های دور بر حیات سیاسی و اجتماعی عراق استیلا داشته‌اند. آن‌ها برخلاف شیعیان و کردها، از زمان تاسیس سلسله بنی‌عباس حاکم عراق بوده‌اند. از زمان تاسیس و ایجاد عراق جدید نیز این اعراب سنی بودند که بر اکثریت شیعه در عراق حاکم بوده‌اند. تداوم حکومت اعراب سنی

در عراق تا سال ۱۹۵۸ از طریق نظام پادشاهی و پس از آن از طریق کودتاهای متعدد صورت گرفت. و حمله آمریکا به عراق باعث فروپاشی رژیم صدام حسین و اضمحلال دولت سنی محور در عراق شد.

کردها: سابقه مسئله کرد در عراق به عنوان یک موضوع سیاسی، مربوط به چالش بر سر دولت ملی، به فروپاشی امپراتوری عثمانی و حوادث پس از جنگ جهانی اول باز می‌گردد. این مسئله تاکنون روندی متفاوت از درگیری با حکومت و سرکوب توسط دولت مرکزی تا جنگ داخلی و خودمختاری مناطق کردنشین و... را در پی داشته است. پس از سقوط صدام و تشکیل «شورای حکومتی»، کردها نقش بارزی یافتند بطوریکه بارزانی و طالبانی به نمایندگی از کردها در دو دوره یک‌ماهه، ریاست موقت این شورا را برعهده گرفتند. از همان ابتدای تشکیل دولت موقت کردها وزارت خارجه را در اختیار گرفته و در دولت‌های موقت و انتقالی و دولت جدید این وزارتخانه و بعضی از وزارتخانه‌ها را به همراه ریاست جمهوری در اختیار دارند.

۴-۳- آرمان سیاسی ناسیونالیستی ملت در ایران و عراق: اندیشه سیاسی ناسیونالیسم و ملی‌گرایی از ادوار گذشته در ایران وجود داشته است، چراکه مشترکات عمومی آن‌ها در مقایسه با فصول ممیزه درونی، قدرت کارکردی بیشتری را دارا بوده ولی تظاهرات سیاسی کمتری از آن بروز کرده است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۵).

با توجه به پیشینه تاریخی ایران و انسجام فرهنگی و قومی آن و با عنایت به ویژگی‌های جغرافیایی و موقعیت، اندیشه سیاسی ناسیونالیسم و ملی‌گرایی از ابتدای تاریخ و در دوره‌های مختلف در میان ملت وجود داشته است. دین و مذهب نیز از عوامل پایدار انسجام‌بخش در ایجاد و احیاء آرمان سیاسی در میان ملت ایران به حساب می‌آید. مولفه دین و مذهب همانند زبان از ارکان اصلی فرهنگ به حساب آمده و در همگرایی فرهنگی و ملی اهمیت دارد.

این در حالی است که قلمرو فضایی و موقعیت جغرافیایی عراق برخلاف ایران شرایط و زمینه‌های مساعدی را جهت تکوین هویت و انسجام فرهنگی و انسانی برای ایجاد آرمان سیاسی فراهم نمی‌نماید. از طرفی کشور عراق فاقد پیشینه تاریخی بوده و در آن سرزمین در طول ۲۴۰۰ سال (۵۳۹ ق.م تا ۱۹۳۲ م) هیچ حکومت و نظام سیاسی بومی تشکیل نشده تا زمینه‌های ایجاد آرمان سیاسی را در میان ملت عراق از نظر سیاسی نهادینه سازد. به همین خاطر از نظر ساختار فرهنگی و اسطوره‌ای فقیر بوده و چون ساختارها و عناصر فرهنگی موجود در آن کشور بیشتر قالب و زمینه‌های قومی و محلی دارد، نمی‌توانند بعنوان منبع هویتی ملی و سیاسی مطرح شوند.

۴-۴- سابقه تاریخی ملت ایران و عراق: سرزمین ایران از دوره پارینه سنگی (یکصد هزار سال قبل) محل زیست انسان بوده و آثار پیشرفته‌تری از حیات انسان در دوره ای پس از آن یافت شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۱۳-۱۱۲). در حالیکه عراق کنونی (بین‌النهرین سابق) کانون یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری بوده است اما کشور عراق از جمله کشورهایی است که در قرن بیستم و پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی ایجاد و ساخته انگلیسی‌ها برای به انحصار درآوردن میدان نفتی کرکوک و بصره بوده است (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

۴-۵- وجود هویت ملی و احساس آن در ایران و عراق: برای تشکیل واحد سیاسی منسجمی بعنوان کشور و استمرار حیات سیاسی و اقتدار ملی آن، عوامل و مؤلفه‌هایی موثر هستند که جغرافیدانان از آن‌ها بعنوان عوامل

بنیادین تأسیس دولت و ایجاد کشور یاد می‌کنند. این عوامل در واقع هویت ملی و اندیشه سیاسی تشکیل یک دولت را فراهم می‌آورد.

موقعیت و فضا، وحدت سرزمینی، سابقه کهن، زبان، دین و مذهب، نژاد و قومیت، ساختار فرهنگی و اسطوره‌ای هویت ملی و احساس تعلق به آن را در بین ایرانیان تقویت کرده است. ولی عراق فاقد همه این مقوله‌ها بوده و یا بسیار ضعیف است.

۴-۶- انسجام ملی و تجانس سیاسی و قومی ملت در ایران و عراق: به طور کلی و در حال حاضر یکی از مؤثرترین عوامل منسجم کننده ساختار ترکیبی ملت، مشارکت متوازن اقوام و اجزای ملت (چه در ترکیب اجتماعی و چه در ترکیب فضایی آن) در سرنوشت و امور ملی هر کشور است.

پیدایش، حفظ و تداوم تاریخی ایران با کمک و همگرایی اقوام ایرانی حاصل شده است. امروز با توجه به اسناد و مدارک محکم تاریخی نمی‌توان نقش ارزشمند اقوام ایرانی را در انسجام ملی در طول تاریخ انکار کرد. ولی باید اذعان کرد در جامعه امروز ایران الگوی متوازن مشارکت مشاهده نمی‌شود و دیدگاه دولت و بخش مرکزی ملت، نسبت به بخش حاشیه به دلیل برخی رفتارهای واگرایانه این بخش، توأم با بدبینی و سوء تفاهم است؛ بر همین اساس تعامل ملی بین بخش مرکزی و پیرامونی، بویژه مناطق اقلیت نشین نامتجانس‌تر، به خوبی بر قرار نمی‌شود. بخش پیرامونی بجز برخی مناطق آذری نشین، سهم چندانی در امور ملی ندارد؛ این اقلیت‌ها؛ بویژه بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، اعراب و کردها در پایتخت ملی نیز بسیار کم حضور دارند و در مقابل چندان احساس تعلق به بخش مرکزی و پایتخت نمی‌کنند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۵).

نظام سیاسی عراق نیز که از سه حوزه جغرافیایی با مردم کاملاً متفاوت تشکیل شده، وضعیت نامطلوبی دارد. بالاترین مانع در راه وحدت عراق جدایی بین اکثریت عرب و اقلیت کُرد زبان بوده است. کردها در مناطق به نسبت دور افتاده و کوهستانی شمال که $\frac{1}{3}$ وسعت کشور را دارند، متمرکز و توسط مرزهای قابل نفوذ از هم زبانان خود در ترکیه، ایران و سوریه جدا می‌شوند. کردها از هنگامی که در اثر خواست قدرت‌های خارجی جزئی ازدولت عراق شدند، برای کسب خودمختاری و یا استقلال کامل همواره جنگیده‌اند (فیروزی، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

۴-۷- وضعیت مرزهای ایران و عراق: ایران در حدود ۸۵۷۴ کیلومتر با همسایگان مرز مشترک دارد که حدود ۱۶۰۸ کیلومتر آن متعلق به مرز با کشور عراق است. در مرزهای غربی، ۱۱۸۱ کیلومتر مرز خشکی، و ۴۲۷ کیلومتر مرز رودخانه‌ای و آبی با کشور عراق داریم که ۸۴ کیلومتر آن در اروندرود (شط‌العرب) بر اساس خط تالوگ و مسافتی از مصب شط‌العرب تا نهرخین را در بر می‌گیرد. این مرز از لحاظ شکل، متنوع‌ترین مرز سیاسی است. در منطقه نفت شهر و قصر شیرین بصورت محدب و در دره شیلربین کردستان ایران و کردستان عراق، بصورت مقعر و در جلگه خوزستان تقریباً مستقیم می‌باشد (پارسادوست، ۱۳۶۵: ۲۸). (نقشه شماره ۱۲)

کشور ایران با وجود مرزهای طولانی و همسایگان متعدد، به جز موارد محدود با هیچ کدام از همسایگان اختلاف ارضی و مرزی جدی ندارد. ادعاهای ارضی کشور امارات متحده (جزایر ایرانی خلیج فارس) نیز از نظر حقوقی فاقد

اعتبار و ارزش بوده و بیشتر مبنای سیاسی، توسعه طلبانه و تحریک آمیز دارد. مسأله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر نیز آنچنان حاد و منازعه خیز در روابط کشورهای فی مابین نمی باشد.



نقشه شماره (۱۲) وضعیت طبیعی مرزهای ایران و عراق

کل مرزهای عراق نیز ۳۸۵۹ کیلومتر می باشد که حدود ۵۸ کیلومتر آن را نوار ساحلی تشکیل می دهد (WWW.Cra.gov/Iraq).

عراق با ۶ کشور در پیرامون خود هم مرز است که با اغلب آنها دارای اختلافات اراضی و مرزی می باشد. این کشور با اینکه نسبت به کشور ایران همسایگان کمتری دارد اما با انبوهی از ادعاهای ارضی و اختلافات مرزی با کشورهای پیرامون خود مواجه است که اکثر این اختلافات و ادعاها، پایدار، منازعه خیز و حاد می باشد.

تعارضات مرزی و ارضی میان ایران و عراق: مهمترین مسئله مرزی حل نشده میان ایران و عراق بر سر آبراه اروند رود می باشد، زیرا آسیب پذیری ژئواستراتژیک عراق در این منطقه و محدودیت دسترسی آن به سواحل خلیج فارس باعث دامن زدن به این مسئله شده و آن را به مهمترین منبع بحران و تنش تبدیل کرده است.

عراق این مسیر استراتژیک و حیاتی خود را در معرض آسیب پذیری دائم و گروگان برقراری مناسبات حسنه با ایران می داند. در واقع جنگ ایران و عراق، فرض ژئوپلیتیک وابستگی عراق به این آبراه را کاملاً اثبات کرد زیرا بلافاصله پس از آغاز جنگ، دسترسی عراق به این آبراه قطع شد و در محاسبات صدام برای ضمیمه کردن کویت در ۱۹۹۱ نیز میل به اصلاح این آسیب پذیری نقش تعیین کننده ای داشت (فولر؛ ۱۳۷۳؛ ۴۹).

۴-۸- اختلافات و شکاف های قومی - مذهبی ملت ایران و عراق: ملت ایران را از نظر منشأ نژادی به سه دسته آریائی ها، غیر آریائی ها و گروه های نژادی مختلط تقسیم می کنند (حاجیان، ۱۳۸۰: ۱۲۰). با وجود این برخی متفکران ملی گرای ایرانی نظیر دکتر افشار به خلوص نژاد ایرانیان کنونی معتقد و بر این تأکید دارند که آمیزش آریائی بانژادهای مهاجر و مهاجم در ایران ناچیز بوده است (کاتم، ۱۳۷۱: ۲۸). از نظر شاخص های هویتی و قومی مانند زبان، گویش، مذهب و... در کشور ایران حدود ۲۲ قوم و گروه های قومی و خرده فرهنگ قابل تفکیک هستند (امان الهی بهاروند، ۱۳۸۰: ۲۰). ولی این اقوام و جمعیت ها به علت استقرار سالیان متمادی در کنار هم و تحولات فرهنگی و قومی رخ

داده در طول زمان، رفته رفته هویت‌های ملی و سرزمینی بر هویت‌های قومی آن‌ها چیره گردیده است. و به لحاظ مذهبی نیز با وجود اکثریت شیعی (بیش از ۹۰ درصد) و اسلام (بیش از ۹۸ درصد)، این مولفه‌ها (دین و مذهب) مهمترین عامل انسجام و پیوند و منشأ و هویت برای ملت ایران تلقی می‌شود.

اما در عراق سه تیره از مردم که کمتر صفت مشترکی برای در کنار هم نشستن داشتند، یعنی کردها، اعراب سنی و اعراب شیعه، گردهم آورده شدند (سالیانجر و لوران، ۱۳۷۴: ۲۲). به عبارتی بالاترین مانع در راه وحدت جدایی اکثریت عرب و اقلیت کردزبان بوده است. علاوه بر آن، گروه‌های قومی و مذهبی نظیر ترکمن‌ها، آسوری‌ها، ایرانی‌ها، یهودی‌ها، ارمنی‌ها و... نیز با هویت‌های مستقل وجود دارند که شکاف‌های زیادی را ایجاد کرده است.

۴-۹- شکاف‌های ساختاری میان دو بخش سیاسی و نظامی ایران و عراق: در طرح ریزی‌های دفاعی و نظامی

همواره این نقص و شکاف مورد توجه نیروهای مسلح بوده است که بودجه و برخی از اختیارات دیگر در ید قدرت دولت و قوه مجریه است در حالی که نیروهای مسلح دارای سلسله مراتب مستقل و در تابعیت فرماندهی معظم کل قوا هستند و مأموریت‌ها و برنامه‌های اجرایی آنان از سوی معظم له ابلاغ می‌شود و این دو گانگی بین بکارگیری و پشتیبانی باعث عدم اجرای صحیح برخی مأموریت‌ها شده است.

در نظام سیاسی جدید عراق نخست‌وزیر، فرمانده کل نیروهای مسلح است که وظیفه اداره کابینه و ریاست آن را برعهده دارد و به عنوان نماینده‌ی کشورش در مجامع بین‌المللی است (قانون اساسی عراق، ماده ۷: وظایف قوه مجریه، فصل پنجم). اما تعیین رییس و اعضای ستاد مشترک ارتش عراق بر اساس پیشنهاد شورای وزیران و موافقت مجمع ملی عراق انجام می‌گیرد (بند الف ماده ۲۰: فصل سوم قانون اساسی عراق). سیستم امنیتی عراق نیز وابسته به شورای وزیران است که ابتدا پیش‌نویسی در خصوص مسائل امنیتی ارائه می‌شود که تحت نظارت قوه قانون‌گذاری قرار می‌گیرد و براساس قانون و اصول حقوق بشر به فعالیت می‌پردازد (ماده ۸، فصل پنجم، وظایف و اختیارات قوه مجریه). همچنین رئیس جمهور فقط صلاحیت دارد، فرماندهی نیروهای مسلح را تنها به منظور مسائل تشریفاتی برعهده بگیرد (پیشین، بند ب، ماده ۴). این سیستم وضعیت تصمیم‌گیری را در زمان لزوم راحت تر ساخته و احتمال سوء استفاده را کمتر می‌کند

۴-۱۰- بازیگران منطقه ای و بین‌المللی

۴-۱۰-۱- بازیگران منطقه ای و بین‌المللی در ایران

- ترکیه: جاده‌های حمل و نقل ترکیه برای ایران همیشه یک عامل تعیین کننده در روابط دو کشور است، و ایران به ترکیه به عنوان یک حلقه اتصال زمینی، استراتژیک با اروپا می‌نگرد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۶۲). علاوه بر این ترکیه یکی از راه‌های انتقال نفت و گاز ایران به اروپا محسوب می‌شود. رقابت دو کشور در آسیای مرکزی و قفقاز، مسأله کردها، همکاری استراتژیک ترکیه با اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، رقابت ایدئولوژیک دو کشور، و گسترش ناتو به سمت شرق از جمله موارد تأثیر گذار در سیاست دو کشور است.

- عربستان: این کشور نیز برای افزایش نفوذ در منطقه، رهبری جهان اسلام، بازار نفت، عراق، بحرین، سوریه و

... با ایران رقابت دارد.

ایالات متحده آمریکا: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تیرگی و قطع روابط با آمریکا همواره سیاست‌های دو کشور در تصمیمات سیاسی طرفین تأثیر داشته است. خاورمیانه، سرزمینی است که ایالات متحده آمریکا در آن، هم پیمانان کلیدی و منافع مهم دارد که توسط ایران می‌تواند مورد تهدید قرار گیرد. در نتیجه آمریکا همواره می‌کوشد تا ایران را منزوی و با چالش مواجه سازد که بارزترین آن‌ها مسأله هسته‌ای ایران است.

اتحادیه اروپا: در سال‌های گذشته و با تهدیدها و دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم آمریکا علیه ایران، موضع‌گیری اتحادیه اروپا، توانست ایران را از یک محاصره تمام عیار خارج‌سازد ولی اکنون اروپا نیز با آمریکا همسو شده و تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال و تأثیر زیادی در سیاست خارجی ایران داشته است.

روسیه: نگاه استراتژیک ایران و روسیه به یکدیگر از چندین قرن پیش تا کنون، همواره متحول شده اما این تحول از اهمیت آن‌ها برای یکدیگر نکاسته است. هرچند در مجموع حافظه تاریخی ایرانیان از تعدی‌ها و دشمنی‌های همسایه شمالی همیشه رنجور بوده نکته‌های مثبتی را می‌توان در سیر روابط دو کشور مشخص نمود.

ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود، همواره جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه داشته است. کشورهای ایران و روسیه در روند مناسبات جدید در مسائل و موضوعات منطقه‌ای همکاری خوبی داشته‌اند و روابط آن‌ها در راستای برقراری امنیت و ثبات منطقه و جلوگیری از مسابقه قدرت سایر کشورها در آسیای مرکزی و قفقاز شکل گرفته است؛ چرا که آسیای مرکزی و قفقاز یک محدوده امنیتی برای هر دو کشور محسوب می‌شود (شیرغلامی، ۱۳۷۹: ۱۵۲). روسیه به ایران نگاهی ابزاری داشته و دارد؛ یعنی در طول دوران پس از فروپاشی شوروی، دولتمردان روسیه از همکاری با ایران به عنوان ابزاری برای گرفتن امتیاز از غرب استفاده کرده‌اند.

چین: چین از نظر استراتژیک در منطقه غرب آسیا تازه وارد است. هر چند این کشور از لحاظ استراتژیک در قرن نوزدهم در مجاورت منطقه آسیای مرکزی قرار می‌گرفته است، اما در حال حاضر به عنوان یک قدرت رو به رشد جهانی علائق استراتژیک خویش را در منطقه گسترش داده است. ایران برای چین نقش عامل‌بازدارنده استراتژیک در مقابل آمریکا را بازی می‌کند. مصرف فزاینده کالاهای چینی در ایران و منافع اقتصادی چین و نیاز به انرژی ایران از جمله مسائل تأثیرگذار در روابط دو کشور است. پرونده هسته‌ای ایران نیز در واقع یکی از فرصت‌هایی است که چین جهت رسیدن به جایگاه مهمتر و کلیدی‌تر در منطقه و جهان از آن استفاده می‌نماید.

۴-۱۰-۲- بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی و تأثیر مناسبات آن‌ها با عراق: حدود ۱۴ بازیگر منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از جمله بازیگران موثر و فعال در تحولات سال‌های اخیر عراق به شمار می‌روند که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

ترکیه: مسأله کردها، صادرات نفتی عراق از طریق ترکیه، اقلیت قومی ترکمن در عراق، روابط اقتصادی ترکیه با عراق، و... از جمله عوامل بازیگری و نفوذ ترکیه در عراق است.

عربستان: عربستان با حمایت از اهل تسنن عراق می‌کوشد تا جای پای در تحولات عراق برای خود پیدا نماید.

رژیم صهیونیستی: رژیم صهیونیستی تلاش دارد تا با تأثیرگذاری بر بازیگران داخلی عراق از آن در زمینه ضرورت تغییر نگاه به مساله فلسطین و مناسبات با خود استفاده و با بهره‌گیری از محیط جدید عراق، به معادلات خلیج فارس وارد شود. بدین منظور اقدامات گسترده‌ای را با حمایت آمریکا در عراق بویژه کردستان انجام می‌دهد.

ایران: اقلیت قومی کرد، شیعیان عراق و دلبستگی‌های ایران به عتبات عالیات، حوزه‌های علمیه نجف و کربلا، گروه‌های سیاسی شیعی، نیازهای اقتصادی عراق به ایران و وجود حکومتی نزدیک به دیدگاه‌های ایران از جمله دلایل نفوذ در عراق و بازیگری قوی و تأثیر گذار در این کشور است.

آمریکا: آمریکا بدنبال بهانه‌هایی در آغاز سال ۲۰۰۳، به عراق حمله و رژیم صدام را سرنگون کرد (پوراردکانی، ۱۳۸۲: ۱۷۷-۱۶۲). به این ترتیب دور جدیدی از روابط عراق - آمریکا آغاز و حضور ایالات متحده در عراق تا مدت‌های مدیدی تثبیت شد. مسأله انرژی و حمایت از اسرائیل از جمله عوامل دخالت آمریکا و اشغال این کشور بود.

اتحادیه اروپا: کشورهای اتحادیه اروپا از جمله فرانسه و آلمان هرچند در تحولات عراق نقش دارند اما این انگلیس است که با همراهی با آمریکا در اشغال عراق هم اکنون به عنوان بازیگری اصلی در عراق مطرح است.

روسیه: تماس عمده روس‌ها با دولت عراق بعد از کودتای ۱۹۵۸ ژنرال قاسم شروع شد. هدف روس‌ها از این رابطه تضعیف موقعیت انگلیس و آمریکا در خاورمیانه بود. با اشغال عراق هرچند نقش روسیه در این کشور بسیار کم رنگ شد ولی هنوز روسیه با توجه به سبقه تاریخی از بازیگران فرامنطقه‌ای در عراق محسوب می‌شود.

سازمان ملل و اتحادیه عرب: سازمان ملل بخاطر جنگ‌ها و تحریم‌هایی که در عراق صورت گرفت، توانست نقش خود را در تحولات این کشور پر رنگ نماید و در حال حاضر به دلیل گستردگی فعالیت‌ها در این کشور نفوذ زیادی پیدا نموده است. و اتحادیه عرب نیز به دلیل هویت عربی عراق در تحولات این کشور نقش دارد.

۴-۱۱-۱۱- قرار گرفتن در کانون توجهات ژئوپلیتیکی قدرت‌های بین‌المللی

۴-۱۱-۱- جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک: اهمیت جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک (نظریه‌های ماهان، مکیندر و اسپایکمن) عمدتاً ناشی از این واقعیت است که این کشور، از طریق خلیج فارس و دریای عمان به دریای آزاد راه دارد و دارای موقعیت گذرگاهی است و علاوه بر اینکه بخش‌های شمالی ایران جزء قلمرو قلب محسوب می‌شده و فلات ایران نیز تماماً نقش حاشیه‌ای سرزمین قلب را داشته و بر همین اساس، در اوایل قرن بیستم، ایران نقش حائل بین روسیه و انگلستان را بازی و از مهمترین کانون‌های رقابت جهانی بشمار می‌رفت. پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظام دو قطبی بر اهمیت این جایگاه افزوده شد. با الهام از اندیشه‌های مکیندر و اسپایکمن، سیاست تهدید و محصورسازی توسط جرج کنان ارائه شد و ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی‌اش به ویژه در ارتفاعات زاگرس - که به عنوان مانع دفاعی طبیعی به اهداف نظامی آمریکا کمک می‌کرد (اطاعت، ۱۳۷۶: ۳۳).

جایگاه ایران در نظریه ژئوپلیتیکی جفری کمپ نیز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. باید با این واقعیت ژئوپلیتیک کنار آمد که نه تنها «هارتلند» به دنیای مطالعات ژئوپلیتیک بازگشته است، بلکه از محل قدیمی خود به سوی جنوب حرکت کرده و در میان دو دریای خزر و خلیج فارس جای گرفته است، آنگونه که ایران در قلب

این‌ها رتلند جدید قرار می‌گیرد. بنابراین ایران برای آمریکا، ارزشی معادل همه خاورمیانه را دارد زیرا عاملی تعیین کننده در استراتژی دراز مدت ایالات متحده به شمار می‌رود (رحیم پور، ۱۳۸۱: ۶۰). موقعیت ایران اکنون با عامل اقتصادی (ژئوکانومیک) منطبق شده است و موقعیت آن تبدیل به موقعیت ممتاز بین‌المللی گردیده است. این موقعیت استثنائی جایگزین ناپذیر بوده و در منظومه‌های قدرت نقش محوری خواهد داشت (همان: ۴۸).

۴-۱۱-۲ جایگاه عراق در نظریه‌های ژئوپلیتیک: عراق با توجه به اینکه در منطقه ژئواستراتژیک خلیج فارس قرار گرفته و از موقعیت ارتباطی ویژه به عنوان ارتباط دهنده سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا برخوردار و بدلیل وجود منابع سرشار انرژی نفت و گاز، همواره در نظریات ژئوپلیتیکی از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. عراق در نظریه‌های جهانی میکندر و اسپایکمن در هلال داخلی یا حاشیه‌ای (ریملند) قرار گرفته و به صحنه کشمکش دو نیروی زمینی و دریایی تبدیل گردید. این کشور هرچند با آب‌های آزاد ارتباط دارد اما به دلیل محدودیت این دسترسی و مناسب نبودن سواحل آن نقش قابل توجهی در نظریه ماهان نداشته است. کشور عراق همچنین با دارا بودن حدود ۱۰ تا ۱۱ درصد ذخایر نفت کشف شده جهان و قرار گرفتن در رتبه دوم جهانی از این نظر با توجه به موقعیت خود در نظریه بیضی استراتژیک انرژی جفری کمپ قرار گرفته است و در نتیجه نقش مهمی در بازی‌های ژئواستراتژیک قرن بیست و یکم ایفا خواهد کرد (نیکسون، ۱۳۷۴: ۱۳۲).

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

با بررسی عوامل ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و عراق می‌توان نتیجه گرفت که در اکثر عوامل ایران یا برتری کامل و یا حداقل برتری محسوسی نسبت به عراق دارد. ما این عوامل را در قالب چهار فاکتور کلی فیزیکی، انسانی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار دادیم.

عدم دسترسی مناسب عراق به آب‌های آزاد و نیاز آن به همسایگان و همچنین وضعیت طبیعی و عدم وجود دفاع طبیعی آن در مقابل همسایگان از جمله تنگناهای ژئواستراتژیکی و ضعف این کشور به شمار می‌آید. که می‌تواند از طریق ایران برطرف شود. پس به لحاظ موقعیت ارتباطی، عراق به نوعی به تمام همسایگان خود وابسته است ولی ایران به غیر از مسیر ترکیه، مسیری مناسب برای سایر همسایگان خود می‌باشد.

از نظر عمق استراتژیک نیز ایران بنخاطر پراکندگی جمعیت، امکانات استراتژیک و... خود در کل سرزمین موقعیت مناسبی داشته ولی عراق به دلیل پراکندگی امکانات استراتژیک و همچنین مراکز جمعیتی و استراتژیک خود در ۲۰۰ کیلومتری مرزهایش از موقعیت مناسبی برخوردار نبوده و در مقابل ایران آسیب پذیر است. علاوه بر این فلات ایران از نظر ارتفاعی و توپوگرافیکی اشراف و تسلط کامل به جلگه‌ها و چاله‌ها و دشت‌های پیرامون خود بویژه عراق دارد و این بزرگترین امتیاز ژئواستراتژیکی برای این کشور محسوب می‌شود. علاوه بر این ایران و عراق هرچند از نظر هندسی تا حدودی جز کشورهای فشرده محسوب می‌شوند ولی میزان فشردگی آن نسبت به ایران کمتر است.

از لحاظ ویژگی‌های کمی و ساختار جمعیتی، کشور ایران نسبت به عراق وضعیت بسیار مطلوب‌تری دارد. مقایسه وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در دو کشور ایران و عراق نیز نشان دهنده آن است که با وجود آنکه دو کشور در بین کشورهای متوسط از لحاظ توسعه انسانی قرار دارند اما نه تنها ایران، بالاتر از عراق است بلکه وضعیت

شاخص‌های توسعه انسانی آن به شدت رو به بهبود است در حالی که در عراق با توجه به مشکلات مختلف، سقوط اکثر این شاخص‌ها را شاهد بوده است.

بررسی عوامل اقتصادی نیز نشان از وضعیت مطلوب تر ایران به دلیل ثبات و همچنین زیربنای اقتصادی و تکنولوژیکی و منابع طبیعی دارد. و باوجود اینکه عراق از نظر منابع آبی در وضعیت بهتری نسبت به ایران قرار دارد اما به خاطر موقعیت جغرافیایی، منابع آبی این کشور با تهدیدهای جدی مواجه است. داشتن موقعیت پایین دستی یک تهدید و تنگنای هیدروپلیتیکی برای کشور عراق محسوب می شود. براین اساس کشورهای ترکیه و ایران به خاطر قرار گرفتن کانون‌های آبگیر و سرچشمه رودخانه‌های عراق در قلمروشان از مزیت‌های هیدروپلیتیکی بسیار بالایی نسبت به آن کشور برخوردار هستند.

براساس مدارک و اطلاعات موجود سرزمین ایران از دوره پارینه سنگی (یکصد هزار سال قبل) محل زیست انسان بوده و آثار پیشرفته تری از حیات انسان در دوره ای پس از آن یافت شده است. عراق کنونی (بین النهرین سابق) نیز هرچند کانون یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری بوده اما از جمله کشورهایی است که در قرن بیستم و پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی ایجاد و فاقد پیشینه تاریخی قومی به عنوان یک حکومت - ملت مستقل است.

بنابراین موقعیت و فضا، وحدت سرزمینی، سابقه کهن، زبان، دین و مذهب، نژاد و قومیت، ساختار فرهنگی و اسطوره‌ای هویت ملی و احساس تعلق به آن را در بین ایرانیان تقویت کرده است. ولی عراق فاقد همه این مقوله‌هاست. این عوامل می تواند انسجام سیاسی ایرانیان را تقویت نماید ولی عراق رابه دلیل شکاف‌های ساختاری، با چالش‌ها و اختلافات داخلی، بویژه بین اعراب و کردها و یا شیعیان و اهل تسنن مواجه سازد.

از نظر ساختار دفاعی و نظامی همواره این نقص و شکاف مورد توجه نیروهای مسلح ایران بوده است که بودجه و برخی از اختیارات دیگر در ید قدرت دولت و قوه مجریه است در حالی که نیروهای مسلح دارای سلسله مراتب مستقل و در تابعیت فرماندهی معظم کل قوا هستند. و این دو گانگی بین بکارگیری و پشتیبانی باعث عدم اجرای صحیح برخی مأموریت‌ها می شود. هر چند این دوگانگی بیشتر در اجرای نادرست قانون است. ولی عراق با وجود این مشکل مواجه نیست اما بیشتر از ساختار نیروهای مسلح خودو همچنین نفوذ بیگانگان رنج می برد.

وضعیت عراق به لحاظ ترکیب قومی و مذهبی و عدم تجانس، باعث بازیگری بازیگران مختلف داخلی، منطقه ای و فرامنطقه ای شده است؛ این در حالی است که ایران با وجود استقلال و عدم وابستگی به سایر قدرت‌ها و همچنین انسجام طبیعی و انسانی نقش سایر بازیگران را در امور داخلی و خارجی خود کم رنگ نموده است. عواملی که بازیگری ایران در عراق را تقویت نموده و این کشور را به یک بازیگر اصلی درعراق کنونی تبدیل کرده است - بطوری که آمریکا نیز به این نقش اذعان داشته و با ایران برای ایجاد امنیت در عراق به مذاکره می نشیند - عنصر مذهب و بعد از آن قومیت و همچنین نیاز ژئوپلیتیکی عراق به ایران و... می باشد.

بطور کلی بررسی جایگاه ایران و عراق در نظریه‌های ژئوپلیتیکی قرن بیست و یکم نشان می دهد که دو کشور ایران و عراق از جایگاه استراتژیکی برخوردار بوده اند ولی ایران در این زمینه نیز از ویژگی استراتژیکی برتر نسبت به عراق برخوردار بوده است. هرچند که این موقعیت زمینه دخالت بیگانگان و قدرت‌های برتر جهانی را در امور داخلی ایران فراهم می ساخته است.

در مجموع بررسی ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران و عراق نشان داد که ایران نسبت به عراق از شرایط بسیار مطلوب تری در این زمینه برخوردار است.

منابع

اتوتایل، ژوئاروید، دالبی، سیمون و روتلج، پاول (۱۳۸۰)؛ **اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم**؛ ترجمه محمد رضا حافظ نیا و هاشم نصیری؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

احمدی، حمید (۱۳۸۲)؛ **آسیب شناسی جریان‌های سیاسی عراق؛ فصلنامه راهبرد شماره ۲۸.**

احمدی، کورش (۱۳۸۴)، عراق پس از سقوط بغداد؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

اطاعت، جواد (۱۳۷۶)، **ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران**، تهران: نشر سفیر.

امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۰) بررسی علل‌گوناگونی قومی در ایران از دیدگاه انسان‌شناسی؛ **فصلنامه مطالعات ملی**؛ سال سوم.

بهروزی فر، مرتضی و نسیمی، همایون (۱۳۸۳)؛ **خلیج فارس و بازارهای جهانی انرژی؛ اطلاعات سیاسی و اقتصادی**؛ سال نوزدهم؛ شماره پنجم و ششم.

پوراردکانی، عباس باقر (فروردین ۱۳۸۲)، **بررسی مشروعیت حمله نظامی آمریکا به عراق**، تهران: **مجله تحولات جهان**، موسسه بین‌المللی ابرار معاصر.

توال، فرانسوا (۱۳۸۲)؛ **ژئوپلیتیک شیعه**؛ ترجمه کنایون باصر؛ تهران: انتشارات ویراستار.

جعفری والدانی، اصغر (۱۳۷۶)؛ **بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق**، چاپ دوم و سوم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

جعفری والدانی، اصغر (۱۳۸۲)؛ **روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)**؛ تهران: انتشارات آوای نور.

حاجبانی، ابراهیم (۱۳۸۰) **الگوی سیاست قومی در ایران؛ فصلنامه مطالعات راهبردی**؛ سال چهارم، شماره اول و دوم.

حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۱)، **جغرافیای سیاسی ایران**، تهران: سمت.

حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: پژوهشکده امیر کبیر.

حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۹)، **مبانی مطالعات سیاسی و اجتماعی** (جلد اول)، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور.

رنجبر، جواد (۱۳۸۳)؛ **نگاهی به دیدگاه‌های اروپایی و تطبیق آن با پرونده هسته‌ای ایران**؛ مجموعه مقالات پرونده هسته‌ای ایران، روندها و نظریه‌ها؛ تهران: موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

سالیانجر، پیر و لوران، اریک (۱۳۷۴)؛ **جنگ خلیج فارس پرورند محرمانه**، ترجمه سوسن احمد زاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.

سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۹)؛ **عراق ساختارها و فرایندهای گرایش‌های سیاسی**؛ تهران: انتشارات مرکز انقلاب اسلامی.

شیر غلامی، خلیل (بهار ۱۳۷۹)، **بررسی امکان اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه**، **فصلنامه امنیت ملی**، سال اول، شماره ۳.

صفوی، سیدیحیی (۱۳۷۸)؛ **مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران - شمال غرب و غرب کشور**؛ تهران: سازمان جغرافیایی ن-م

عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۷)؛ **ژئوپلیتیک**؛ تهران: انتشارات سمت.

عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)؛ **ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم**؛ تهران: سمت.

عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱)؛ **تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق**؛ تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- فولر، گراهام (۱۳۷۷): *قبله عالم ژئوپلیتیک ایران*؛ ترجمه عباس مخبر؛ تهران: نشر مرکز.
- فیروزی، محرم‌علی (۱۳۸۳): *تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و عراق*؛ پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی به راهنمایی دکتر زهرا احمدی پور؛ دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- کاتم، ریچارد (۱۳۸۳): *ناسیونالیسم ایران*؛ ترجمه احمد تدین؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات کویر.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲): *روابط بین الملل در تئوری و عمل*، تهران: نشر قومس.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹): *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۴): *سالنامه آماری کشور ۱۳۸۳*.
- میر حیدر، دره (۱۳۸۰): *مبانی جغرافیای سیاسی*؛ چاپ هشتم؛ تهران: انتشارات سمت.
- موحد دانش، علی اصغر (۱۳۷۳): *هیدرولوژی آب‌های سطحی ایران*؛ تهران: انتشارات سمت.
- یوسفی، مهدی (۱۳۸۴): *مجموعه گزارش کشوری انرژی عراق*؛ تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- موسوی لاری (۱۳۷۸): *مشارکت سیاسی، احزاب و انتخابات (سخنرانی)*؛ مجموعه مقالات مشارکت سیاسی احزاب و انتخابات؛ تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- نهای، غلامحسین (۱۳۷۸): *بحران آب در خاور میانه*؛ تهران: مرکز مطالعات استراتژیک خاور میانه.
- نیکسون، ریچارد (۱۳۷۴): *پیروزی بدون جنگ (۱۹۹۹)*؛ ترجمه فریدون دولت‌شاهی؛ چاپ چهارم؛ تهران: موسسه اطلاعات.
- <http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/iz.html>
- [http://www.cia.gov/cia/publication.factbook/gcos/irhtm/\(2006\)](http://www.cia.gov/cia/publication.factbook/gcos/irhtm/(2006))
- H. Cordesman, Anthony. (2000); *The Military Balance in the Gulf and the Threat from Iraq*. Center for Strategic and International Studies.
- H. Cordesman, Anthony. (2005); *The Middle East Military Balance: Definition, Regional Developments and Trends*. Center for Strategic and International Studies.
- Moshipouri, Mohmood (2004); *US policy toward Iran in post war Iraq : antagonism or engagement? The Muslim world*, volume 24; October.
- UN & Plan and Budget Organization of Iran (1999); *Human Report of Islamic Republic of Iran*; Tehran: UNDP.
- UN (2005); *Iraq Living Conditions Survey 2004: Volume I*; Baghdad: Iraq.
- UN (2006); *Human Development Report 2005*; New York: UNDP.
- World Health Organization (2006); *World Health Statistics 2006*; Switzerland: WHO.
- United Nation (2005); *Report on the World Social Situation, 2005*; New Yurk; General Assembly.
- Fuller, E.Graham (2003); *Islamist Politics in Iraq after Saddam Hussein*; Washington: www.usip.org.